



خسرو دهقان، منتقد سینما:

هنرمندان باید آزادانه تر فیلم بسازند

سینما را به جریان بیندازند و کاری کنند که تمام صنوف صاحب شغل شوند. وقتی یک عده خاص کار می کنند همان تیم هم همیشه کار دارند و باقی افراد می مانند. شما وقتی می خواهید شعر بنویسید، با یک قلم و کاغذ امور پیش می رود، اما برای ساخت یک فیلم دست کم به ۱۵ میلیارد تومان پول نیاز است، نکته هم این است اگر سینما برای همه نباشد و متعلق به یک قشر خاص باشد، کسی حاضر نیست برای ساخت فیلم های دیگر هزینه کند. سینما خرج دارد و دولت هم باید حمایت کند و تهیه کننده دولتی سودای سو استفاده نداشته باشد تا وضعیت کمی بهتر شود. آقای فریدزاده اگر به همین نکات توجه کند می تواند اندکی وضع سینما را بهبود بخشد.

رییس سازمان سینمایی فعلی باید سینما را به جریان بیندازد. بگذارید یک مثال ساده بزنم شما اگر بقالی داشتست باشید همه نوع جنسی در آن می ریزید و در آن را بازمی کنید تا هر کسی هر چه می خواهد را بخرد، سینما همین است. این در را باز کنید و امکان ساخت بدهید تا هر کس فیلم مورد علاقه اش را ببیند. در واقع باید امکان به وجود بیاورند تا مخاطبین مختلف فیلم محبوبشان را پیدا کنند نه اینکه سلیقه بسازند. مسئله ممیزی ها هم همواره در سینما وجود دارد اگر رییس سازمان سینمایی بتواند آن را محدودتر کند اوضاع رو به راه تر می شود و هنرمندان آزادانه تر می توانند فیلم بسازند. کاری که آقای فریدزاده باید انجام دهند این است که به مسئله سانسور توجه کنند،

رضادرستکار، منتقد سینما:

سینمای افسارگسیخته مبتدل را مبار کنید!



اولین چالشی که در حال حاضر سینمای ما با آن مواجه است سینمای تجاری است که با ادعای زیادی می آید و می خواهد سهم اکران بیشتر و سانس بیشتر بگیرد. به جرعت می گویم اگر رییس سازمان سینمایی قرار باشد همان رویه قبلی را پیش بگیرد، پس چرا رییس قبلی تغییر کرد؟ بنابراین اولین چالش آقای فریدزاده این است که سینمای افسارگسیخته نازل را به طریقی که هست مهار کند. نه آن را از بین ببرد نه اجازه جولان این چنینی بدهد. البته آقایانی که تهیه کننده فیلم های کمدمی هستند آدم های پرنفوذی اند که می توانند از گذرگاه ممیزی عبور کنند و چگونه عبور می کردند؟ بارانت دادن.

بخش مهمی از وظیفه سازمان سینمایی این است که این افراد و تقاضاهایشان را کنترل کند اگر فیلم کمدمی اکران می شود کسی با آن فیلم مشکل ندارد بلکه با عدم وجود توازن در سینما مسئله وجود دارد چون این اشتباه است که سینما همه ظرفیت خود را برای یک ژانر به کار ببرد. چالش دوم این است که اگر دولت به قول ها و شعارهایی که داده عمل نکند کار سینما هم پیش نمی رود. بخش اعظمی از بدنه سینما آسیب دیده و نیاز به کمک دارد و برای درمان این آسیب هم نیاز به درمان وجود دارد و هم نیاز به توزیع عدالت که آقای فریدزاده با کمک منتقدان، مدرسان، متفکران و مورخان سینما می توانند به این ماجرا رسیدگی کنند و مانند مرحوم داد، عملگر باشند نه اینکه مثل مدیران دوره قبل تنها در خدمت یک طیف خودی باشند. موضوع بعدی بحث ابتدال در سینماست؛ این ماجرا را نمی توان کتمان کرد؛ بدون تعارف مسئله مهم این است که

چند مدیر لایق روی کار بیایند و این شرایط را کنترل کنند. نکته این است که باید تدابیری برای مقابله با جریان سینمای مبتدل اندیشیده شود، مسئله امروز ما اکران پشت هم فیلم های طنز و گیشه ای است که سازندگان آن می خواهند به هر قیمتی مسائل و مرزهای اخلاقی را زیر پا بگذارند و مخاطب را به خنده بیندازند. شواهر نشان می دهد که دست کم در سه سال گذشته سازندگان و مدیران سینمایی نخواستند راه و سیاق جدید پیشه کنند، انکار نمی خواستند

بپذیرند که دوره فیلم های دهه شصت و هفتاد و هشتاد به پایان رسیده است. این در حالی است که سینمای ما فراموش کرده که باید به حرف و فرم نو جایگاهی دهد. در نهایت باید به آقای فریدزاده گفت لطفا برای سینما کار کنید، نه برای صندلی ریاست چون مادامی که برای سینما کار می کنید، سینما هم از شما دفاع می کند، اما به محضی که برای خودتان و آن صندلی کار کردید، کارتان تمام است، یادتان باشد این صندلی ها نوبتی است.